

سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران

سوسن باستانی^{۱*}، مریم صالحی هیکویی^۲
^۱ استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء
^۲ کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء
(تاریخ دریافت ۸۵/۱/۲۲، تاریخ تصویب ۸۵/۱۱/۲۴)

چکیده

تعاملات اجتماعی از عناصر بنیادین هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. بر اساس دیدگاه شبکه، روابط و پیوندها به عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و فرد از طریق آن‌ها به منابع و حمایت‌های موجود در شبکه دسترسی می‌یابد. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه سرمایه اجتماعی شبکه زنان و مردان در تهران می‌باشد. فرض بر آن است که زنان و مردان به دلیل تفاوت در ساختار زندگی و به دلیل نابرابری‌های جنسیتی، دارای سرمایه اجتماعی متفاوت می‌باشند. تفاوت در سرمایه اجتماعی شبکه، در ابعاد ساختی (اندازه و ترکیب شبکه)، تعاملی (فراوانی تماس، صمیمیت) و کارکردی (حمایت‌ها) مطرح می‌باشد. در این پژوهش که با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است، تأثیر جنسیت و متغیرهای زمینه‌ای بر سرمایه اجتماعی شبکه مورد آزمون قرار گرفته است. جامعه آماری را افراد ۱۸ سال به بالای تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۳۲۰ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم انتخاب گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شبکه‌های زنان و مردان از نظر ساخت (اندازه و ترکیب شبکه) تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای ندارند، اما از نظر خصوصیات تعاملی و کارکردی متفاوت می‌باشند. زنان انواع زنانه‌تر حمایت (عاطفی) و مردان انواع مردانه‌تر حمایت (مالی و اطلاعاتی) را فراهم می‌کنند. افراد شاغل و متاهل سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. آنچه که شبکه روابط زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که زنان و مردان دارند و ناشی از نابرابری‌های جنسیتی و عدم توزیع برابر امکانات و فرصت‌ها در جامعه می‌باشد.

واژگان کلیدی: شبکه روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی شبکه، جنسیت، حمایت اجتماعی.

طرح مسأله

روابط اجتماعی هسته اصلی جامعه محسوب می‌گردد و موجب می‌شود کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران می‌باشند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند.

علاوه بر جامعه در سطح کلان که تعاملات گسترده‌ای را در خود جای می‌دهد، اجتماع کوچک‌تری با عنوان «اجتماع شبکه‌ای»^۱ مطرح می‌شود که شبکه روابط غیررسمی فرد است. روابط و پیوندهای اجتماعی بنابر نظریه تحلیل شبکه^۲ به عنوان سرمایه اجتماعی و دارایی فرد محسوب می‌شود و فرد از طریق آن می‌تواند به منابع و حمایت‌های موجود در این پیوندها دسترسی یابد. بنابراین کم و کیف روابط اجتماعی، میزان و نحوه تعاملات و نوع حمایت‌هایی که رد و بدل می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است.

افراد جامعه در برقراری ارتباط و کمیت و کیفیت آن یکسان نبوده و تفاوت‌هایی از جنبه‌های مختلف بین آنان وجود دارد، نظیر تفاوت‌های جنسیتی که ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری می‌باشد که در طی جریان جامعه‌پذیری و در طول دوره زندگی همواره منجر به جدا شدن جهان اجتماعی مردان و زنان شده است. به طوری که تفکیک جنسیتی و به دنبال آن تبعیض جنسیتی که عمدتاً در ارتباط و علیه زنان است، در حوزه‌های مختلف جامعه مثل خانواده، مدرسه، نظام شغلی و ... مطرح می‌شود. تفکیک در حوزه عمومی، فرصت و شانس دستیابی به پیوندهای متنوع و برقراری ارتباط با افراد مختلف را از زنان می‌گیرد و از طرف دیگر تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه و فرهنگ که نقش مادری و خانه‌داری را نقش اولیه و مسؤولیت عمده زنان می‌شمرد، موجب شده که زنان نتوانند در صحنه‌های مختلف جامعه و فعالیت‌های اجتماعی به طور فعال حاضر شوند و از بسیاری فرصت‌ها محروم مانده‌اند. این تفکیک‌ها و نابرابری‌های جنسیتی بین زنان و مردان در عضویت ارتباطی و اجتماعات فردی آنان نیز تأثیر می‌گذارد و زنان و مردان را به شبکه‌های اجتماعی متفاوتی سوق می‌دهد. تأثیرات

1. Network community
2. Network analysis theory

و تفکیک‌های جنسیتی که نتیجه یک نظام نابرابر جنسیتی است، موجب خواهد شد که زنان و مردان به شبکه‌های خاصی سوق پیدا کرده و سرمایه اجتماعی متفاوتی داشته باشند. تفاوت در سرمایه اجتماعی شبکه‌ای بین زنان و مردان از لحاظ ساخت، ترکیب، میزان و نحوه تعاملات و انواع حمایت‌هایی که از شبکه دریافت می‌کنند، مطرح و قابل بررسی می‌باشد. بر این اساس هدف تحقیق حاضر، مطالعه خصوصیات شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران است. از آنجا که همواره نوعی تفکیک در حوزه‌های مختلف جامعه بین زنان و مردان وجود داشته و این مساله بر روابط اجتماعی آنان تاثیر می‌گذارد، بررسی ویژگی‌های شبکه زنان و مردان (ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی) ضمن شناخت شبکه‌های اجتماعی آنان، تفاوت‌های موجود را نیز مشخص می‌سازد.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی شبکه

در سال‌های اخیر، اصطلاح سرمایه اجتماعی به طور گسترده در مباحث علوم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. در مورد سرمایه اجتماعی با توجه به سطح بازگشت بازده به فرد یا گروه، دو دیدگاه مطرح است که انعکاس دهنده این دو سطح فردی و جمعی می‌باشد.

دیدگاه اول تمرکز بر استفاده از سرمایه اجتماعی به وسیله افراد است و اینکه افراد چگونه به منابع جای گرفته در شبکه‌ها دست می‌یابند و از آن برای به دست آوردن سود و بازده در کنش‌های ابزاری^۱ (یافتن شغل بهتر) و محافظت از بازده در کنش‌های اظهاری^۲ استفاده می‌کنند. این نوع سرمایه به عنوان سرمایه اجتماعی شبکه^۳ مطرح می‌باشد. نقطه تمرکز تحلیل در این دیدگاه عبارتند از:

۱- چگونگی سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی

1. instrumental action
2. experssive action
3. Network social capital

۲- چگونگی در اختیار گرفتن منابع جای گرفته در این روابط، توسط افراد جهت کسب

سود.

دیدگاه دیگر به استفاده از سرمایه اجتماعی در سطح گروه توجه دارد و علاقه اصلی آن، بررسی عناصر و فرایند تولید و حفظ دارایی جمعی^۱ است. علاقه دیگرش این است که چگونه هنجارها و اعتماد مثل دارایی‌های دیگر (قوانین، اقتدار) در تولید و حفظ دارایی جمعی نقش دارند. به طور کلی نقطه تمرکز این دیدگاه عبارتند از:

۱- چگونه گروهی مشخص سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی جمعی توسعه داده و

حفظ می‌کند؟

۲- چگونه چنین دارایی جمعی، می‌تواند شرایط زندگی افراد را بهبود بخشد (لین، ۱۹۹۹):

۳۲-۳۱).

در سرمایه اجتماعی شبکه، سرمایه اجتماعی کالایی فردی است و به سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و در اختیار گرفتن منابع موجود در این روابط برای کسب بازده و سود مورد انتظار اطلاق می‌گردد. اما در سطح گروهی، سرمایه اجتماعی به صورت یک کالا و دارایی جمعی نمود می‌یابد، مثلاً در انسجام محله‌ای، کنش جمعی و غیره. طبق جدول شماره ۱، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما در سطح گروهی مطرح می‌شود که در آن صورت، سرمایه اجتماعی شامل روابط، اعتماد، هنجارها، مشارکت و ... می‌باشد. اما از نظر تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی تنها در سطح رابطه‌ای - فردی مطرح می‌باشد و به شبکه روابط و حمایت‌ها و منابع در دسترس اطلاق می‌گردد. این نوع سرمایه اجتماعی که سرمایه اجتماعی شبکه‌ای نام دارد، بز منابع ایزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه، که با سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به پیوندهای اجتماعی به دست می‌آید متمرکز است. در این پژوهش نیز سرمایه اجتماعی با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه و به عنوان سرمایه اجتماعی شبکه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱. رویکردهای سرمایه اجتماعی و عناصر محوری آن

سطوح سرمایه اجتماعی	سطح گروهی - اجتماعی	سطح فردی - رابطه‌ای
نظریه پردازان	بورديو - پاتنام - کلمن - فوکویاما	دیدگاه تحلیل شبکه (ولمن، بارت، لین، فلپ، پورتز، مارسدن) کلمن
تبیین‌ها	انسجام و بازتولید گروهی	سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی و دستیابی و استفاده از منابع جای گرفته در شبکه‌های اجتماعی

مأخذ: (لین، ۱۹۹۹: ۲۹)

دیدگاه شبکه اجتماعی

مسأله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است و واحد تشکیل دهنده ساخت جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند. ساخت اجتماعی به عنوان یک شبکه، از «اعضای شبکه» و مجموعه‌ای از «پیوندها» که افراد، کنشگران یا گره‌ها را به هم متصل می‌سازد، تشکیل شده است. اعضای شبکه می‌توانند افراد، گروه‌ها، نهادها، موجودیت‌های حقوقی و یا سازمان‌ها و ... باشند (ولمن، ۱۹۸۸). بلوک‌های اصلی شبکه «ارتباط» است و دیدگاه شبکه با مطالعه روابط اجتماعی موجود بین مجموعه‌ای از افراد، به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد و ضمن اینکه به کل ساخت توجه می‌کند، الگوی روابط موجود در داخل ساخت را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای توجه و تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های فردی‌شان به عنوان واحد تحلیل، به ساختار روابط بین این کنشگران توجه می‌کند (کارتوسی، ۲۰۰۴: ۱). پیوندها و روابط که بحث اصلی دیدگاه شبکه می‌باشند، به عنوان «سرمایه اجتماعی» محسوب می‌شوند. ریشه سرمایه اجتماعی شبکه به ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی برمی‌گردد. برخی محققان خصوصیات شبکه را در سه بعد طبقه‌بندی کرده اند:

خصوصیات ساختی^۱: سایز^۲، تراکم^۳، ترکیب^۴
 خصوصیات تعاملی^۵: شیوه تماس، فراوانی تماس^۱، صمیمیت^۲، دوام رابطه^۳

1. Structural characteristics
2. Size
3. Density
4. Composition
5. Interactional characteristics

خصوصیات کارکردی^۴: انواع حمایت (ایسرائیل و راند، ۱۹۸۷: ۳۱۴ به نقل از باستانی، ۲۰۰۱).

در مورد شبکه‌ها و روابط اجتماعی میان افراد و همچنین خصوصیات شبکه (ساخت، ترکیب، محتوا) تحقیقات بسیاری انجام گرفته است که این مطالعات به تأثیر ساختار، ترکیب و محتوای روابط اجتماعی، بر رفتار افرادی که با هم در کنش متقابل هستند پرداخته‌اند. در این تحقیقات، روابط و پیوندهای بین افراد و کمیت و کیفیت این روابط (سایز، تراکم، ترکیب، فراوانی و شیوه تماس، چندگانگی، تجانس و ...) و حمایت‌هایی که در این پیوندها بین کنشگران رد و بدل می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است.

افراد حمایت‌های متنوعی را از اعضای شبکه خود دریافت می‌کنند. مطالعات گسترده در مورد حمایت اجتماعی نشان داده است که خویشاوندان (دور و نزدیک)، دوستان، همسایگان و همکاران منابع مهمی می‌باشند که می‌توان در صورت نیاز به آنان مراجعه کرد. پیوندهای گوناگون، حمایت‌های اجتماعی متنوعی را برای اعضای شبکه فراهم می‌سازند. به عبارت دیگر، با تنوع روابط، افراد به طیف وسیعی از حمایت‌های مختلف دست می‌یابند. حمایت‌های اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی را داشته باشند. به نظر ولمن (۱۹۹۲)، منبع حمایت و اینکه چه نوع پیوندهایی، چه نوع حمایتی را فراهم می‌کنند از اهمیت بسزایی برخوردار است.

حمایت‌های اجتماعی انواع متفاوتی دارند که عبارتند از: حمایت مصاحبتی^۵، حمایت عاطفی^۶، حمایت خدماتی^۷، حمایت مالی^۸، حمایت اطلاعاتی^۹ و حمایت مشورتی^{۱۰} (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۰). فیشر^{۱۱} نیز بر سه نوع حمایت تأکید می‌کند که عبارتند از: حمایت مشورتی^۱،

1. Frequency
2. Intimacy
3. Durability
4. Functional characteristics
5. Companionship
6. Emotional
7. Services
8. Financial
9. Informational
10. Advice
11. Fischer

حمایت مصاحبتی و حمایت عملی^۲ (فیشر، ۱۹۸۲: ۱۲۸ به نقل از باستانی، ۲۰۰۱). در مطالعه حمایت اجتماعی، عوامل موثر بر انواع حمایتها نیز مورد توجه قرار گرفته است که نتایج حاکی از آن است که انواع حمایت‌های فراهم شده، بیشتر تحت تأثیر خصوصیات روابط هستند تا ویژگی‌های فردی. به عبارت دیگر، ویژگی‌های شبکه مهم‌تر از ویژگی‌های فردی می‌باشند. بر این اساس، اندازه شبکه، ترکیب، تراکم و دیگر خصوصیات شبکه در ابعاد ساختی و تعاملی، بر میزان و نوع حمایت دریافتی تأثیر می‌گذارند (ولمن، ۱۹۹۹: ۲۴-۲۵).

جنسیت و سرمایه اجتماعی شبکه

جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان جنس^۳ و جنسیت^۴ قائلند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک و فیزیکی میان مردان و زنان دلالت دارد، حال آنکه جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی و تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی میان زنان و مردان می‌باشد که جامعه آن را تعیین می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۵). پسر یا دختر به دنیا آمدن، پیامد مهمی برای همه جنبه‌های زندگی خواهد داشت. مردانگی و زنانگی که در طی جریان جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد منجر به تمایزات و تفاوت‌های گوناگون بین زنان و مردان خواهد شد (گرت، ۱۳۷۹: ۹). تمایزات جنسیتی بین زنان و مردان تبعاتی را به دنبال خواهد داشت که یکی از آنها مسأله نابرابری و تبعیضات^۵ جنسیتی است که در اغلب جوامع، پیامدهای بسیار گسترده‌ای را به وجود آورده است.

ابعاد مختلف جامعه و حوزه‌های آن، از قبیل نهادها و مؤسسات کاری، سازمان‌های اقتصادی، احزاب و حتی فعالیت‌های ارتباطی و مشارکت اجتماعی و عضویت در برخی گروه‌ها و شبکه‌ها، بر مبنای جنسیت طبقه‌بندی شده‌اند و نابرابری‌ها و تفاوت‌های جنسیتی میان زنان و مردان را گسترش می‌دهند و آنان را هر چه بیشتر به دنیاهای اجتماعی متفاوت و متمایز از هم

2.Counseling

2.Practical

3 - sex

4 - Gender

5 - discrimination

سوق می‌دهند. از دیدگاه شبکه، منشا بسیاری از تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی و عضویت ارتباطی زنان و مردان، در ساختار اجتماعی ریشه داشته و ناشی از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که تبعیضات گسترده‌ای را به دنبال داشته است. امروزه با توجه به گسترش ارتباطات و تماس‌های فردی در جوامع، که علاوه بر نفع فردی به نفع جمعی نیز می‌انجامد، میزان این ارتباطات و تنوع منابع و حمایت‌هایی که در دسترس افراد قرار می‌گیرد از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. با این وجود، نوعی تفکیک^۱ و نابرابری در عضویت ارتباطی زنان و مردان وجود دارد. نظام‌های متفاوت اشکال گوناگونی از دستیابی به موقعیت اجتماعی و منابع را در اختیار زنان و مردان قرار می‌دهند که از طریق آن شبکه‌های متفاوت، ارتباطات مختلف و اشکال مختلفی از مشارکت شکل می‌گیرد (اریکسون و میاتا، ۲۰۰۵). به عنوان نمونه نوعی تقسیم و تفکیک جنسیتی در مشاغل صورت گرفته است که این مسأله در الگوی ارتباطات دو جنس تأثیر بسزایی خواهد داشت. در اغلب جوامع، بین زنان و مردان در دسترسی به منابع و موقعیت‌های استراتژیک و مهم تبعیضاتی دیده می‌شود و همواره این زنان هستند که نابرابری‌ها و تبعیضات بر علیه آن‌ها انجام می‌گیرد. در نظام قشربندی جنسیتی همواره زنان در مشاغل خدماتی و با منزلت پایین در جامعه به کار گرفته می‌شوند و از ورود آنان به بسیاری از مشاغل سطح بالا و استراتژیک جلوگیری می‌شود، در مقابل اکثر مناصب و مشاغل رده بالای جامعه، تحت تسلط مردان می‌باشد و این موجب می‌گردد که زنان و مردان هر کدام به منابع متفاوتی از اطلاعات دستیابی داشته باشند و همچنین تعداد تماس‌ها و ارتباطات آن‌ها متفاوت گردد. تنوع پیوندها و تعداد پیوندها، منابع متفاوت و متنوعی را از جهت انواع حمایت‌ها برای فرد فراهم می‌کند (همان منبع، ۲۰۰۵).

نظام فرهنگی در هر جامعه‌ای با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه، عملاً در جهت اعمال تبعیضاتی علیه زنان سازمان یافته است و با توجه به موانعی که بر سر راه زنان برای ورود به عرصه اجتماع قرار می‌دهد، آن‌ها را از بسیاری از موقعیت‌ها در جامعه محروم کرده و

1- segregation

موجب می‌شود که زنان به زمینه‌های کمتر مهم و حاشیه‌ای جامعه سوق داده شوند و از فعالیت ارتباطی آن‌ها در جامعه کاسته شود. وقتی مردان و زنان به شبکه‌های روابط متفاوتی راه یابند، منابع و حمایت‌های متفاوتی را نیز دریافت می‌کنند، در نتیجه سرمایه‌های اجتماعی‌شان از هم متفاوت گردد. به طوری که تماس و ارتباط با مردان شکل متفاوتی از سرمایه اجتماعی را نسبت به تماس با زنان فراهم می‌کند. این به آن معنی نیست که پیوند و ارتباط با مردان، سرمایه اجتماعی بهتر یا بدتری را فراهم می‌کند، بلکه به آن معناست که پیوند با مردان، سرمایه اجتماعی مفیدی را از جهت انواع منابع و حمایت‌هایی که مردان تمایل به داشتن آن‌ها دارند فراهم می‌کند و پیوند با زنان، سرمایه اجتماعی مفیدی را از جهت انواع حمایت‌ها و دارایی‌هایی که زنان تمایل به دارا بودن آن دارند فراهم می‌نماید (اریکسون، ۲۰۰۴: ۲۹-۲۸).

در مطالعه شبکه‌های زنان و مردان بحث تمایز جنسیتی نیز مطرح است. در اغلب موارد شبکه‌های مردان و زنان به سوی تمایز جنسیتی پیش می‌رود. به طوری که زنان بیشتر با زنان و مردان با مردان در تماس قرار می‌گیرند (تشابه طلبی جنسیتی)، مردان در نشست‌های اجتماعی مردان وارد می‌شوند و زنان در نشست‌های اجتماعی زنان و در کل افراد ترجیح می‌دهند تا با افرادی از جنس خودشان کنش متقابل داشته باشند. اما در برخی موقعیت‌ها در طول دوره زندگی به نوعی این تجانس جنسیتی شبکه‌های فرد (ارتباط مردان با مردان و زنان با زنان) کاهش می‌یابد و نوعی تداخل جنسیتی اتفاق می‌افتد. کار عرصه‌ای است که از طریق آن زنان و مردان می‌توانند پیوندهای دو جنسیتی‌شان را گسترش دهند. کار، به خصوص کار تمام وقت، فرصت تماس با هر دو جنس را افزایش می‌دهد و تنوع شبکه‌ای را بالا می‌برد. زندگی خانوادگی نیز امکان ارتباط مرد و زن را با افرادی از جنس مخالف خود به وجود می‌آورد و فرصتی برای کنش متقابل مردان و زنان صرف‌نظر از تمایلات تشابه‌طلبانه آنان می‌باشد. اما باز هم به دلیل نفوذ عوامل اجتماعی و الزامات ساختاری در جامعه، تنوع تماس‌ها برای مردان بیشتر فراهم می‌شود تا برای زنان (اریکسون و میاتا، ۲۰۰۵).

مراحل متفاوت زندگی افراد و موقعیت‌های متفاوت به ویژه تحصیلات، ازدواج، بچه‌داری و تربیت آنان و توزیع نامتناسب کار خانگی و روز مزدی، تفاوت‌های شبکه مردان و زنان را

بیشتر افزایش می‌دهد. دیدگاه شبکه معتقد است که وقایع حیاتی، ذخایر اطلاعاتی و فرصت‌های ساختی متفاوتی برای مردان و زنان ایجاد می‌کند، مثلاً بچه‌داری ممکن است نوعی تنگنای شبکه‌ای را ایجاد کند و مردان و زنان را به جریان‌های ساختاری و روابط متفاوتی سوق دهد. از منظر دیدگاه شبکه با ایجاد مراکز نگهداری، مراقبت و حمایت از بچه‌ها، به مادران فرصت برقراری و حفظ تماس با بیرون از قلمرو صمیمی خانواده داده می‌شود و موجب خواهد شد که در الگوی ارتباطات و فعالیت و عضویت ارتباطی آن‌ها تغییراتی ایجاد شود.

بر این اساس، تفاوت‌های جنسیتی که به نظر ذاتی می‌آیند، نتیجه یک نظام خود حفظ‌کننده می‌باشد. مجموعه وقایع در طی دوره زندگی یعنی ازدواج و بچه‌دار شدن، می‌تواند تأثیرات زیادی در الگوی روابط زنان داشته باشد. فعال شدن شبکه‌های گسترده خویشاوندی قبل از پیوندهای غیرخانوادگی، زنان را به دنیای متفاوتی از مردان سوق می‌دهد و مانع از این خواهد شد که زنان همانند مردان شبکه‌های گسترده‌تر و مفیدتری با آرایش و ترکیب برابر پیوندهای خویشاوندی و غیرخویشاوندی داشته باشند (اسمیت و مک فرسون، ۱۹۹۳: ۲۴۵).

در تحقیق ولمن (۱۹۸۸)، این مسأله از طریق این واقعیت تأیید می‌شود که شبکه‌های اجتماعی مردان و زنان از ریشه و اساس با هم متفاوت نیستند و اگر برخی وقایع زندگی مثل وضعیت تأهل، بچه‌داری و وضعیت استخدامی را کنترل کنیم؛ تفاوت‌های جنسیتی شبکه از بین می‌رود یا حداقل کاهش می‌یابد. شرایط و رویدادهای متفاوت، بر تغییرات در روابط تأثیر می‌گذارد و این چرخه زندگی زنان و مردان و شرایط خاص زندگی زنان است که روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارتوسی، ۲۰۰۴: ۴).

به طور کلی، علاوه بر عوامل اجتماعی و فرهنگی که در طی جریان جامعه‌پذیری، از خانواده تا مدرسه، همسالان، نظام شغلی و ... در تحکیم و برجسته کردن هر چه بیشتر تفاوت‌های جنسیتی بین زنان و مردان و تبعیضات ناشی از آن علیه زنان تأثیر داشته‌اند و زنان و مردان را به قلمروهای اجتماعی متفاوت سوق داده‌اند؛ وقایع مهم زندگی افراد مثل ازدواج، بچه‌داری، خانه‌داری، اشتغال و ... موجب ایجاد سرمایه اجتماعی جنسیتی و متفاوت شدن ویژگی‌های شبکه زنان و مردان و نوع و منبع حمایت دریافتی‌شان شده و شبکه‌های زنان و

مردان را از هم متفاوت می‌سازد.

پیشینه تجربی پژوهش

اغلب مطالعات و تحقیقات انجام گرفته پیرامون شبکه، در غرب بوده است و تعداد تحقیقات انجام شده در کشور ما بسیار اندک است. از جمله تحقیقاتی که به طور خاص به مقایسه شبکه اجتماعی زنان و مردان پرداخته، تحقیق "مور" است که با استفاده از اطلاعات پیمایش اجتماعی عمومی (GSS) صورت گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده، شبکه‌های زنان و مردان از نظر ترکیب با هم متفاوت می‌باشند ولی از نظر اندازه تا حدودی شبیه به هم هستند. مور (۱۹۹۰) اظهار می‌کند که شبکه‌های مردان بیشتر شامل همکاران، دوستان و مشاوران است در حالیکه شبکه‌های زنان بیشتر ارتباطات فامیلی، همسایگی و خانوادگی را در بر می‌گیرد. مردان به علت اینکه درگیر مشاغل رسمی هستند، شبکه‌های آنان رسمی‌تر از شبکه‌های زنان می‌باشد و بیشتر شامل همکاران و کمتر خویشاوندان است، در مقابل، شبکه‌های زنان غیر رسمی‌تر بوده و خویشاوندان بیشتری را نسبت به شبکه‌های مردان در بر می‌گیرد. تئوری‌های رقیب نیز برای تبیین این تفاوت در ترکیب شبکه، مورد استفاده قرار گرفته است که معتقدند مردان و زنان با توجه به افرادی که با آنها در ارتباط می‌باشند و شبکه آنان را تشکیل می‌دهند، امیال و گرایش‌های متفاوتی دارند. زنان بیشتر تمایل دارند تا پیوندهای نزدیک و صمیمی‌تری با خویشاوندان و پیوندهای غیرخانوادگی کمتری داشته باشند و مردان گرایش دارند تا پیوندهای بیشتری در بیرون خانواده برقرار کنند (مور، ۱۹۹۰: ۱).

تحقیقی تجربی با عنوان "اجتماع طبقه متوسط تهران: شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و روابط زوجین" پیرامون شبکه اجتماعی زنان و مردان طبقه متوسط تهران، توسط سوسن باستانی در سال ۲۰۰۱ انجام شده است که به بررسی خصوصیات شبکه روابط اجتماعی یا به عبارتی ساخت، ترکیب و محتوای شبکه پرداخته است. این تحقیق با حجم نمونه ۳۱۸ نفر و بصورت مصاحبه با زوجین انجام گرفته است. محقق همچنین رابطه بین ساخت شبکه و روابط زوجین را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج این مطالعه، زنان و مردان در

ساخت و ترکیب شبکه‌شان متفاوت نیستند، بلکه در خصوصیت تعاملی شبکه‌هایشان یعنی شیوه تماس و سطح چندگانگی، تفاوت‌هایی بین آنان وجود دارد. شبکه‌های زنان و مردان نسبت بالایی از خویشاوندان را در برمی‌گیرد. طبق نتایج به دست آمده، شبکه زنان و مردان در زمینه ویژگی‌های کارکردی نیز متفاوت هستند. نقش‌های حمایتی بر حسب جنسیت متفاوت بوده به طوری که زنان بیشتر حمایت‌های زنانه (عاطفی) و مردان حمایت‌های مردانه (مالی و اطلاعاتی) را فراهم می‌سازند (باستانی، ۲۰۰۱). همچنین زنان و مردان حمایت‌های مختلفی را از شبکه روابطشان دریافت می‌دارند و آنچه اهمیت دارد این است که زنان و مردان از چه کسانی این حمایت‌ها را دریافت می‌دارند و خودشان منبع چه نوع حمایت‌هایی برای افراد شبکه هستند.

مطالعه تجربی دیگری پیرامون سرمایه اجتماعی شبکه، با عنوان "بررسی سرمایه اجتماعی و فرهنگی و استقرار و مهاجرت" توسط ساعی مهر در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه الزهراء تهران انجام شده است که به بررسی سرمایه اجتماعی شبکه افراد یعنی روابط و حمایت‌های موجود در شبکه روابط اجتماعی و همچنین سرمایه‌های فرهنگی افراد و تأثیر این دو در مهاجرت آنان به تبریز پرداخته است. در این تحقیق سرمایه اجتماعی از دیدگاه تحلیل شبکه مورد بررسی قرار گرفته است و نقش شبکه روابط در مهاجرت افراد بررسی گردیده است (ساعی مهر، ۱۳۸۳).

دیگر مطالعات تجربی انجام شده در زمینه سرمایه اجتماعی، با رویکرد شبکه روابط و سرمایه اجتماعی شبکه به این مساله پرداخته‌اند و عدم توجه به مساله جنسیت و تفاوت‌های بین زنان و مردان به عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار در خصوصیات شبکه روابط اجتماعی، از جمله مواردی بوده که در اغلب مطالعات پیرامون سرمایه اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته است. مطالعه حاضر با نوعی تحلیل جنسیتی شبکه زنان و مردان به تفاوت‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه آنان پرداخته است.

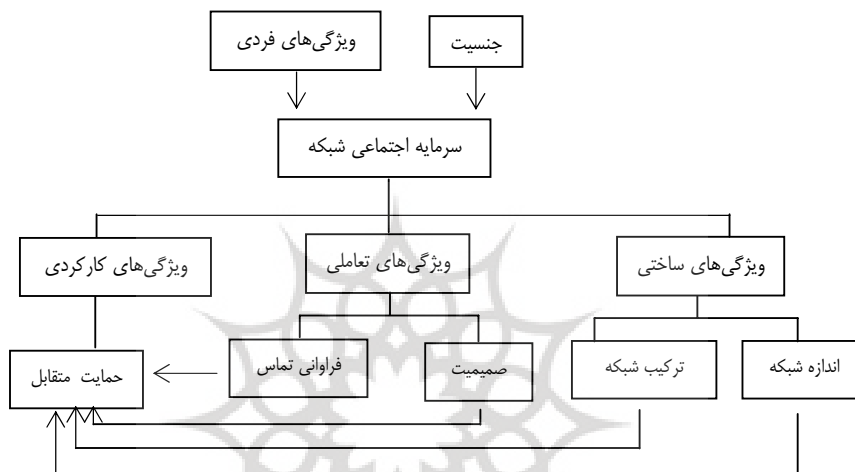
جمع‌بندی مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی شبکه می‌باشد که میزان رابطه فرد با افراد مختلف و انواع حمایت‌هایی که از طریق این پیوندها و روابط در دسترس فرد قرار

سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و ...

می‌گیرد، مورد نظر می‌باشد. طبق این تعریف، سرمایه اجتماعی در سطح فردی مطرح می‌گردد. در این تحقیق جنسیت به عنوان عاملی تبیین کننده مورد توجه قرار گرفته است.

دیاگرام علی روابط



فرضیات تحقیق

- ۱- بین جنسیت و ویژگی‌های شبکه اجتماعی رابطه وجود دارد.
ویژگی‌های ساختی شبکه:
 - بین جنسیت و اندازه شبکه رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت و ترکیب شبکه رابطه وجود دارد.ویژگی‌های تعاملی شبکه:
 - بین جنسیت و فراوانی تماس رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت و صمیمیت پیوند رابطه وجود دارد.ویژگی‌های کارکردی شبکه:
 - بین جنسیت و حمایت متقابل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ویژگی‌های فردی (متغیرهای زمینه‌ای) و سرمایه اجتماعی شبکه رابطه وجود دارد.

- بین سن و سرمایه اجتماعی شبکه رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت تأهل و سرمایه اجتماعی شبکه رابطه وجود دارد.
- بین وضع فعالیت و سرمایه اجتماعی شبکه رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه اجتماعی شبکه رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق، افراد بالای ۱۸ سال ساکن تهران بوده است. در این پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم خوشه (pps) مورد استفاده قرار گرفت و بر اساس آن، یک نمونه ۳۲۰ نفری از سه منطقه (خوشه) ۶،۳ و ۱۶ تهران که از مناطق شمال، مرکز و جنوب شهر بودند، از بین مناطق بیست و دوگانه انتخاب شدند.

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

سرمایه اجتماعی شبکه: سرمایه اجتماعی شبکه بر منابع ابزاری و حمایتی موجود در شبکه‌ها که از طریق دستیابی به پیوندهای اجتماعی در دسترس فرد قرار می‌گیرد و از این طریق فرد می‌تواند به طیف وسیعی از حمایت‌های گوناگون دسترسی یابد، اطلاق می‌گردد. سرمایه اجتماعی شبکه در سه بعد ویژگی‌های ساختی، ویژگی‌های تعاملی و ویژگی‌های کارکردی شبکه مورد بررسی قرار گرفته است. در بعد ساختی سرمایه اجتماعی شبکه، اندازه شبکه و ترکیب شبکه مطرح می‌شود که شاخص‌های این بعد می‌باشد. منظور از اندازه شبکه، تعداد افرادی است که فرد به طور غیررسمی در شبکه روابط خود با آن‌ها در تعامل و ارتباط است. منظور از ترکیب شبکه، نسبت‌های مختلف هر یک از اعضا در شبکه فردی می‌باشد که این متغیر از تعداد خویشاوندان دور و نزدیک، دوستان، همسایگان و همکاران ساخته شده است.

در بعد تعاملی سرمایه اجتماعی شبکه، فراوانی تماس افراد، شیوه تماس آن‌ها با هم و صمیمیت در رابطه به عنوان شاخص‌ها و مولفه‌های این بعد مطرح می‌باشند. منظور از فراوانی

تماس، دفعات ارتباطی است که افراد با هر یک از اعضای شبکه خود دارند و اینکه هر چند وقت یکبار با آنها در تماس و ارتباط می‌باشند. این متغیر نیز با سؤال باز مورد پرسش واقع شده و بعد، دفعات ارتباط افراد با هر یک از اعضای شبکه‌شان در مقوله‌هایی با سطح سنجش ترتیبی از روزانه تا سالانه و به ندرت طبقه‌بندی گردید. منظور از شیوه تماس، روش برقراری ارتباط با اعضای شبکه می‌باشد که شیوه‌های تماس رودررو و حضوری، تلفنی، نامه و اینترنت مورد سوال واقع شد و میزان برقراری ارتباط با اعضای شبکه از طریق هر یک از این شیوه‌ها از طریق طیف ۴ قسمتی در سطح سنجش ترتیبی از به طور مرتب تا هیچوقت مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از صمیمیت رابطه، احساس نزدیکی و خودمانی شدن با اعضای شبکه است که این متغیر نیز در سطح سنجش ترتیبی با استفاده از طیف ۵ قسمتی از خیلی کم تا خیلی زیاد مورد سنجش قرار گرفته است.

در بعد کارکردی سرمایه اجتماعی شبکه، حمایت‌های دریافتی از اعضای شبکه و ارائه حمایت به آنها در قالب ۶ نوع حمایت مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی، عملی و اطلاعاتی مورد سوال قرار گرفتند که هر نوع حمایت در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف ۳ قسمتی از همیشه تا هیچوقت سنجیده شده است.

برای ساخت متغیر سرمایه اجتماعی شبکه، مولفه‌های هر یک از ابعاد ساختی، تعاملی و کارکردی، با هم ترکیب شده و برای ترکیب کردن آنها ابتدا تمام مؤلفه‌ها در یک مقیاس سه قسمتی از کم تا زیاد در سطح سنجش ترتیبی مجدداً کدگذاری شدند تا سطح سنجش یکسانی پیدا کنند و سپس با استاندارد کردن آنها در قالب یک سطح سنجش، ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی شبکه در سطح سنجش فاصله‌ای ساخته شد. متغیر سرمایه اجتماعی شبکه نیز از جمع کردن این ابعاد که دارای سطح سنجش یکسانی شده‌اند، ساخته شده و در سطح سنجش فاصله‌ای مورد بررسی قرار گرفت. البته برای توصیف سرمایه اجتماعی، نمرات آنها به صورت یک طیف سه قسمتی از زیاد تا کم (با فواصل مساوی) تقسیم‌بندی شد و برای محاسبه آمارهای مختلف و روابط بین متغیرها، از همان شاخص‌های فاصله‌ای استفاده شده است.

جنسیت: در این تحقیق، جنسیت نه به عنوان یک متغیر زمینه‌ای بلکه به عنوان متغیر تبیین‌کننده و تأثیرگذار مورد توجه می‌باشد و تحلیل‌ها بر مبنای جنسیت و مقایسه زنان و مردان

صورت گرفته است.

متغیرهای زمینه‌ای: متغیرهای سن، وضعیت تأهل، وضع فعالیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته شده است. منظور از پایگاه اقتصادی اجتماعی، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مثل هزینه خانواده، سطح تحصیلات و منزلت شغلی است که تعیین کننده پایگاه فرد در جامعه می‌باشد. متغیر پایگاه، از ترکیب سه شاخص شغل، تحصیلات و هزینه در سطح سنجش فاصله‌ای ساخته شد و بر این اساس، افراد در سه طبقه پایگاه پایین، متوسط و بالا قرار گرفتند.

ویژگی‌های کلی افراد مورد مطالعه

- از ۳۲۰ نفر پاسخگو، ۱۷۷ نفر (۵۵/۳ درصد) زن و ۱۴۳ نفر (۴۴/۷ درصد) مرد هستند.
- میانگین سنی پاسخگویان ۳۵ سال، زنان ۳۴ سال و مردان ۳۶ سال است.
- اغلب پاسخگویان (۶۷/۵ درصد) متأهل بوده که زنان ۷۰/۱ و مردان ۶۴/۳ درصد این سهم را دارا هستند.
- ۴۵/۹ درصد پاسخگویان شاغل بوده که مردان در مقایسه با زنان (به ترتیب ۷۵/۵ در مقابل ۲۲/۰ درصد) سهم بیشتری را در میان شاغلین به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های پژوهش

۱- روابط دو متغیری

رابطه بین جنسیت و ویژگی‌های سرمایه اجتماعی شبکه با استفاده از آزمون t مورد بررسی قرار گرفت که ابتدا بر اساس آزمون ناپارامتریک Kolmogorov-Smirnov Z نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد نظر مشخص گردید و سپس از آزمون‌های پارامتریک مانند T-Test استفاده گردید.

جنسیت و ویژگی‌های ساختی شبکه

رابطه جنسیت و اندازه شبکه

میانگین اندازه شبکه افراد مورد مطالعه ۲۴/۰۲ نفر بوده که این میزان در بین زنان و مردان

سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و ...

متفاوت می‌باشد. طبق جدول ۲ میانگین اندازه شبکه زنان ۲۲/۲۹ و شبکه مردان ۲۶/۱۶ می‌باشد و به معنای آن است که شبکه مردان بزرگتر از شبکه زنان می‌باشد. طبق آزمون t، تفاوت میانگین اندازه شبکه زنان و مردان برحسب جنسیت در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد، که شدت این رابطه بر اساس آزمون Eta برابر ۰/۱۷ و بیانگر رابطه نسبتاً متوسط بین دو متغیر است. بدین ترتیب فرضیه مورد نظر مبنی بر رابطه دو متغیر تأیید گردید.

جدول شماره ۲. نتایج T-Test ویژگی‌های سرمایه اجتماعی شبکه بر حسب جنسیت

	متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig	Eta
ویژگی ساختی	اندازه شبکه	زن	۲۲/۲۹	۹/۰۳	۳/۷۲۷	۳۱۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۷
		مرد	۲۶/۱۶	۹/۵۰				
ویژگی تعاملی	ترکیب شبکه	زن	۷/۲۹	۰/۶۷۸	۱/۶۳۵	۳۱۸	۰/۱۰۳	-
		مرد	۷/۴۲	۰/۷۰۷				
ویژگی تعاملی	فراوانی تماس	زن	۲۸/۷۹	۵/۱۳۴	۳/۰۴	۳۱۸	۰/۰۰۳	-۰/۱۶
		مرد	۳۰/۶۱	۵/۵۸۰				
ویژگی کارکردی	صمیمیت پیوند	زن	۲۸/۰۱	۶/۳۰۳	-۰/۸۲۹	۳۱۸	۰/۴۰۸	-
		مرد	۲۸/۶۶	۷/۶۴۲				
ویژگی کارکردی	حمایت متقابل	زن	۶۲/۸۵	۱۸/۶۴۱	۱۹۴	۳۱۸	۰/۸۴۷	-
		مرد	۶۳/۲۲	۱۴/۸۰۹				
ویژگی کارکردی	سرمایه اجتماعی	زن	۲۱/۴۶	۳/۸۱۰	۱/۷۸	۳۱۸	۰/۰۷۶	-
		مرد	۲۲/۲۹	۴/۴۰۵				

رابطه جنسیت و ترکیب شبکه

در ترکیب شبکه، نسبت‌های مختلف هر یک از اعضا در شبکه و تنوع شبکه‌ای مطرح می‌باشد. رابطه بین ترکیب شبکه (تنوع) و جنسیت بر اساس آزمون t نشان می‌دهد که میانگین تنوع شبکه ای زنان ۷/۲۹ و میانگین مردان ۷/۴۲ می‌باشد. به عبارت دیگر، شبکه مردان نسبت به شبکه زنان با اندک تفاوتی، تنوع شبکه‌ای بیشتری دارد اما طبق آزمون t تفاوت میانگین ناچیز زنان و مردان در ترکیب شبکه، معنادار نبوده و فرض مورد نظر مبنی بر رابطه بین دو متغیر تأیید نمی‌شود.

هر شبکه نسبت‌های مختلفی از خویشاوندان دور و نزدیک، دوستان، همسایگان و همکاران را دارا می‌باشد. شبکه‌های زنان بیشتر شامل خویشاوندان دور و نزدیک و همسایگان می‌باشد و شبکه‌های مردان، همکاران بیشتری را در بر می‌گیرد. در مجموع، خویشاوندان در شبکه مردان و زنان از اهمیت خاصی برخوردارند و درصد قابل توجهی از شبکه آنان را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۳- توزیع ترکیب شبکه برحسب جنسیت

جنس	زن %	مرد %	کل %
خویشاوندان نزدیک	۲۹/۱۶	۲۵/۷۸	۲۷/۵۲
خویشاوندان دور	۳۴/۵۶	۲۷/۷۶	۳۱/۲۵
دوستان	۱۹/۳۳	۱۹/۵۸	۱۹/۴۵
همسایگان	۱۱/۰۹	۹/۶۲	۱۰/۳۷
همکاران	۵/۸۲	۱۷/۲۳	۱۱/۳۸
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جنسیت و ویژگی‌های تعاملی شبکه

رابطه جنسیت و فراوانی تماس

از بررسی فراوانی تماس افراد با اعضای شبکه مشخص می‌گردد که فراوانی تماس افراد با خویشاوندان نزدیک، همسایگان و همکارانشان بیشتر است که نتیجه شرایط غیرانتخابی می‌باشد. میزان فراوانی تماس با اعضای شبکه در بین زنان و مردان متفاوت بوده است. طبق آزمون t میانگین فراوانی تماس مردان بیشتر از زنان بوده است و این تفاوت میانگین در سطح $0/003$ تفاوتی معنادار است و ناشی از تفاوت واقعی زنان و مردان در جمعیت کل می‌باشد. شدت این رابطه بر اساس آزمون Eta برابر $0/16$ و به معنای رابطه‌ای متوسط بین دو متغیر است. بنابراین فرضیه مورد نظر مبنی بر رابطه بین دو متغیر تأیید می‌شود. زنان بیشتر با خویشاوندان و مردان با دوستان و به ویژه با همکارانشان در تماس حضوری و یا تلفنی می‌باشند.

در سنجش فراوانی تماس، همچنین شیوه برقراری تماس افراد با هر یک از اعضای

شبکه‌شان مورد سؤال قرار گرفت که این متغیر به دلیل اینکه دارای واریانس کمی بوده است تنها به ذکر نتایجی از آن اکتفا شده است. بررسی شیوه تماس نشان می‌دهد که بین زنان و مردان از این نظر تفاوت‌هایی وجود دارد. ارتباط با اعضای شبکه بوسیله تماس تلفنی، برخلاف تماس رودررو، یکی از روش‌هایی است که عمدتاً بر مبنای انتخاب و داوطلبانه صورت می‌گیرد. به طور کلی در میزان تماس تلفنی با خویشاوندان نزدیک نوعی تقسیم جنسیتی وجود دارد. به طوری که درصد زنانی که با خواهر و مادر خود تماس تلفنی دارند، نسبت به مردان بیشتر است. البته طبق نتایج به دست آمده میزان ارتباط تلفنی زنان با پدر و برادر نیز بیشتر از مردان بوده و به معنای آن است که صرف‌نظر از مسأله تشابه جنسیتی، ارتباط تلفنی زنان با خویشاوندان نزدیک‌شان بیشتر از مردان می‌باشد. ارتباط تلفنی زنان با دیگر خویشاوندان و فامیل نیز بیشتر از مردان بوده است در مجموع زنان بیشتر از طریق تلفن به برقراری ارتباط با اعضای شبکه مبادرت ورزیده و پیوندهای خود را حفظ و گسترش می‌دهند.

در بین شیوه‌های تماس، اینترنت کمتر مورد استفاده قرار گرفته و افراد به دلیل عدم دسترسی و یا آشنا نبودن به اینترنت، تماس تلفنی را برای برقراری ارتباط ترجیح می‌دهند و تنها درصد کمی از افراد از ایمیل برای برقراری ارتباط با اعضای شبکه‌شان استفاده می‌کنند. همچنین امروزه با استفاده از تلفن و تا حدی پست الکترونیکی و اینترنت، افراد کمتر از نامه برای ارتباط با دیگران استفاده می‌کنند.

رابطه جنسیت و میزان صمیمیت

میزان صمیمیت افراد با مادر بیشتر از پدر بوده و زنان (مادران) منبع مهم و عمده تامین دوستی و صمیمیت می‌باشند. با این حال، افراد باز هم بر مبنای نوعی تشابه‌طلبی جنسیتی با اعضای نزدیک شبکه خود صمیمی می‌باشند. بر اساس نتایج به دست آمده، با وجود احساس صمیمیت بسیار زیاد زنان و مردان با مادران‌شان، میزان صمیمیت زنان با مادر بیشتر از مردان می‌باشد و این نشان می‌دهد که افراد با همجنس خود احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتری دارند. آزمون t نشان می‌دهد که تفاوت زنان و مردان در صمیمیت با اعضای شبکه معنادار نبوده و فرض مورد نظر مبنی بر رابطه بین این دو متغیر تأیید نگردید.

جنسیت و ویژگی کارکردی شبکه

رابطه جنسیت و حمایت اجتماعی

نوع و میزان حمایت‌هایی که فرد از اعضای شبکه خود دریافت می‌کند و انواع مختلف حمایت‌هایی که متقابلاً به اعضای شبکه ارائه می‌دهند، در شش نوع مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی و اطلاع‌رسانی به تفکیک اعضای شبکه و برحسب جنس مورد بررسی قرار گرفته است.

طبق جدول ۲، میانگین‌ها حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان حمایت‌های متقابل بیشتری با اعضای شبکه رد و بدل می‌کنند. با این حال، تفاوت میانگین بر اساس آزمون t معنادار نبوده و تصادفی می‌باشد و فرضیه مورد نظر تأیید نمی‌گردد. ترکیب حمایت‌های مختلف به دلیل هم‌پوشانی آن‌ها با هم، تفسیر و درک روشنی از تفاوت‌های زنان و مردان در میزان حمایت‌هایی که ارائه می‌دهند و یا دریافت می‌کنند، نشان نمی‌دهد. به همین دلیل رابطه جنسیت با انواع مختلف حمایت به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت که بیانگر تفاوت بین زنان و مردان در زمینه حمایت عاطفی و عملی بود.

بر اساس نتایج به دست آمده، زنان نسبت به مردان، حمایت‌های اجتماعی بیشتری را از اعضای شبکه خود دریافت می‌کنند که به ویژه در مورد حمایت عاطفی و عملی، این تفاوت‌ها معنادار بوده است. همچنین منبع تأمین‌کننده حمایت برای زنان، بیشتر خویشاوندان نزدیک به ویژه خواهر، همسر و فرزند و کمتر دوستان و همکاران بوده‌اند. در مقابل، برای مردان بیشتر دوستان و همکاران منبع تأمین‌کننده حمایت محسوب می‌شدند تا سایر اعضای شبکه.

مردان نسبت به زنان حمایت بیشتری به اعضای شبکه ارائه می‌دهند و منبع تأمین‌کننده انواع متنوع‌تری از حمایت‌ها برای اعضا می‌باشند، که به ویژه در مورد حمایت مالی، عملی و اطلاعاتی این مسأله بیشتر آشکار می‌شود. به طوری که مردان بیشتر، منبع تأمین حمایت مالی، عملی و اطلاعاتی و زنان بیشتر تأمین‌کننده حمایت عاطفی اعضای شبکه می‌باشند که این یافته‌ها نیز در تایید تحقیقات گذشته بوده است (ولمن، ۱۹۹۲؛ باستانی، ۲۰۰۱).

در بررسی شاخص کلی سرمایه اجتماعی مشخص شده است که مردان سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و ...

شبکه بیشتری نسبت به زنان دارند. اما نتایج آزمون t نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان در سطح ۰/۰۷۶ معنادار نبوده و نمی‌توان گفت که زنان و مردان از نظر میزان سرمایه اجتماعی با هم تفاوت دارند و چنین تفاوتی تنها در جمعیت مورد بررسی قابل مشاهده است.

ویژگی‌های فردی و سرمایه اجتماعی شبکه

• رابطه بین سن و سرمایه اجتماعی شبکه

جدول شماره ۴. همبستگی بین سن و سرمایه اجتماعی شبکه

سن	مستقل	
	وابسته	
۰/۱۰	r	سرمایه اجتماعی شبکه
۳۲۰	n	

بر اساس همبستگی پیرسون، رابطه معناداری بین سن و سرمایه اجتماعی شبکه مشاهده نشده است و بین این دو متغیر رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. بنابراین، فرض مورد نظر مبنی بر رابطه بین سن و سرمایه اجتماعی تأیید نگردید.

• رابطه بین وضع تاهل و سرمایه اجتماعی شبکه

جدول شماره ۵. نتایج تحلیل واریانس سرمایه اجتماعی شبکه برحسب وضعیت تاهل

متغیر	وضعیت تاهل	میانگین	انحراف معیار	منبع تغییر	مجموع مجذورات	df	F	sig	Eta
سرمایه اجتماعی شبکه	مجرد	۱۹/۵۷	۳/۵۱	بین گروهی	۸۲۱/۰۱۰	۲	۲۸/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۴۲
	متاهل	۲۲/۹۴	۳/۹۱	درون گروهی	۴۵۴۵/۲۱	۳۱۷			
	بیوه و مطلقه	۱۰/۱۰	۳/۴۷	جمع	۵۳۶۶/۲۲	۳۱۹			
	جمع	۲۱/۸۳	۴/۱						

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد می‌باشد و متأهلین سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به افراد غیرمتاهل دارند. تحلیل

واریانس نشان می‌دهد تفاوت‌های مشاهده شده بین متاهلین و سایر افراد در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد که شدت این رابطه بر اساس آزمون Eta برابر ۰/۴۲ و بیانگر رابطه قوی بین دو متغیر است. فرض مورد نظر نیز تأیید گردید.

• رابطه بین وضعیت فعالیت و سرمایه اجتماعی شبکه

جدول شماره ۶. نتایج تحلیل واریانس سرمایه اجتماعی شبکه برحسب وضع فعالیت

متغیر	وضعیت فعالیت	میانگین	انحراف معیار	منبع تغییر	مجموع مجزورات	df	F	sig	Eta
سرمایه اجتماعی شبکه	شاغل	۲۳/۶۵	۳/۸۶	بین گروهی	۱۱۴۷/۰۳	۴	۲۱/۴۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹
	بیکار	۱۷/۸۵	۲/۹۶	درون گروهی	۴۲۱۹/۱۸	۳۱۵			
	خانه‌دار	۱۹/۲۳	۳/۶۷	جمع	۵۳۶۹/۲۲	۳۱۹			
	محصل و دانشجو	۲۱/۲۳	۳/۴۵						
	دارای درآمد بدون کار	۲۰/۴۴	۲/۰۸						
	جمع	۲۱/۸۳	۴/۱۰						

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی در بین شاغلین بیشتر از افراد غیر شاغل است و شاغلین سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به گروه‌های دیگر دارند. بعد از شاغلین، افراد محصل و دانشجو دارای بیشترین میزان سرمایه اجتماعی هستند. افراد بیکار و جویای کار سرمایه اجتماعی پایین‌تری نسبت به سایر افراد دارند. این مسأله نشان می‌دهد که شغل عامل موثری در افزایش سرمایه اجتماعی افراد است. طبق جدول ۶، نتایج تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده بین شاغلین و سایر گروه‌ها در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است و به عبارت دیگر میانگین سرمایه اجتماعی برحسب وضعیت فعالیت معنادار است. شدت رابطه نیز بر اساس آزمون Eta برابر ۰/۳۹ و بیانگر رابطه نسبتاً قوی بین دو متغیر است، بنابراین فرض مورد نظر مبنی بر رابطه این دو متغیر تأیید می‌گردد.

کار، عرصه‌ای است که افراد فرصت برقراری ارتباط با افراد مختلف را پیدا کرده و از طریق دستیابی به پیوندهای اجتماعی گوناگون به منابع متنوعی دسترسی می‌یابند. جریان کسب اطلاعات از طریق پیوندهای اجتماعی سرعت می‌یابد و افراد به دلیل گستردگی و متنوع بودن

سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و ...

پیوندها، حمایت‌های گوناگونی را دریافت می‌کنند. بنابراین افراد شاغل نسبت به افراد غیر شاغل از شبکه بزرگتر و متنوع‌تری برخوردارند و به نظر فیشر (۱۹۸۲) فرصت‌های بیشتری برای آنان وجود دارد و سرمایه اجتماعی شبکه‌ای‌شان افزایش می‌یابد.

• **رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه اجتماعی شبکه**

جدول شماره ۷. همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه اجتماعی شبکه

پایگاه اقتصادی - اجتماعی	مستقل	
	وابسته	مستقل
××۰/۲۵ ۳۲۰	ر	سرمایه اجتماعی شبکه
	n	

** correlation is significant at the 0/01 level (2 - tailed)

بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه اجتماعی شبکه رابطه معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد که شدت رابطه برابر ۰/۲۵ و بیانگر رابطه‌ای متوسط و مستقیم بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی افزایش یابد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر می‌گردد و افرادی که دارای پایگاه بالاتری هستند، از سرمایه اجتماعی شبکه‌ای بیشتری برخوردارند. فرض مورد نظر مبنی بر رابطه بین این دو متغیر تأیید گردید.

۲- روابط چند متغیری

در این بخش با استفاده از رگرسیون چند متغیری با روش Step wise به پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموع متغیرهای مستقل پرداخته شده است. در این مرحله، تأثیر متغیرهای جنسیت و ویژگی‌های فردی به عنوان متغیرهای مستقل بر هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و همچنین با توجه به اینکه ویژگی‌های شبکه در بعد ساختی و تعاملی، یعنی اندازه شبکه، ترکیب، فراوانی تماس و صمیمیت پیوند در میزان و نوع حمایت متقابل اعضای شبکه تأثیر می‌گذارد، تاثیر این متغیرها بر حمایت نیز مورد بررسی قرار

گرفته است که به صورت مدل‌های جداگانه وارد معادله رگرسیون شدند تا تأثیر متغیرهای فردی و شبکه‌ای به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

در جدول شماره ۸، نتایج رگرسیون اندازه شبکه نشان می‌دهد که از بین متغیرهای جنسیت و ویژگی‌های فردی که در یک مدل وارد معادله شدند، تنها دو متغیر جنسیت و سن در معادله باقی ماندند و متغیرهای دیگر مثل وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی-اجتماعی از معادله خارج شدند. ضرایب رگرسیون (Beta) در جنسیت ۲۰ درصد و در متغیر سن ۱۴ درصد می‌باشد که سهم هر متغیر را در تبیین متغیر وابسته نشان می‌دهد. این مدل ۰/۰۶ درصد از واریانس متغیر اندازه شبکه را تبیین می‌کند که سهم اندکی از واریانس می‌باشد ($R^2=0/06$). معناداری F بیانگر آن است که حداقل یکی از متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته می‌باشند و متغیرهای مستقل، ترکیب خطی مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند.

رگرسیون متغیر فراوانی تماس نشان می‌دهد که در این مدل نیز متغیر جنسیت و سن به ترتیب با سهم (β) ۰/۱۸ و ۰/۲۰ وارد معادله شدند. بر این اساس، سن افراد سهم بیشتری در تبیین متغیر وابسته دارد، ولی این تأثیر به صورت منفی و معکوس می‌باشد. این مدل ۰/۰۷ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند ($R^2=0/07$).

در رگرسیون متغیر صمیمیت، نتایج نشان داد که از بین متغیرهای زمینه‌ای و جنسیت، تنها وضعیت تأهل در معادله باقی مانده است. طبق معادله رگرسیون، متأهلها نسبت به افراد مجرد صمیمیت بیشتری با اعضای شبکه‌شان دارند. بر این اساس، ضریب رگرسیونی β در وضعیت تأهل برابر ۰/۴۲ و بیانگر سهم این متغیر در تبیین متغیر وابسته می‌باشد. ۰/۱۸ از کل واریانس صمیمیت توسط متغیر تأهل تبیین می‌گردد ($R^2=0/18$).

در رگرسیون متغیر حمایت، ابتدا در مدل اول متغیرهای زمینه‌ای و جنسیت، سپس در مدل دوم متغیرهای شبکه و نهایتاً در مدل سوم هر دو دسته متغیر وارد معادله شدند و سهم هر یک در تبیین متغیر وابسته بررسی گردید. در مدل اول، وضعیت تأهل با β معادل ۰/۳۲، سن با ضریب β معادل ۰/۱۷- و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با β معادل ۰/۱۵ به ترتیب بیشترین سهم

را در تبیین متغیر وابسته حمایت دارا می‌باشند که وضعیت تاهل سهم بیشتری را نسبت به متغیرهای دیگر دارا می‌باشد. ۱۱ درصد از واریانس کل متغیر وابسته (حمایت اجتماعی) از طریق این متغیرها تعیین می‌گردد ($R^2=0/11$). در مدل دوم، تأثیر متغیرهای شبکه بر حمایت مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که صمیمیت با ضریب β معادل ۰/۴۶، فراوانی تماس با ۰/۱۹، و اندازه شبکه با ۰/۰۸۹ به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین حمایت متقابل دارا می‌باشند. ضریب تعیین معادل ۵۵ درصد می‌باشد ($R^2=0/55$). در مدل سوم رگرسیون، متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای شبکه‌ای به صورت همزمان وارد شده‌اند و طبق نتایج، در این مدل نیز متغیرهای شبکه‌ای که در مدل دوم بیشترین ضرایب رگرسیون را دارا بوده‌اند وارد معادله شدند و از متغیرهای زمینه‌ای سهم بیشتری در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند. ضرایب رگرسیونی β نشان می‌دهد که صمیمیت با ۰/۴۴، فراوانی تماس با ۰/۲۱، اندازه شبکه با ۰/۱۰، جنسیت با ۰/۱۰- و پایگاه اقتصادی اجتماعی با ۰/۰۷ به ترتیب بیشترین ضرایب رگرسیون β را دارا می‌باشند و عوامل تأثیرگذار در متغیر وابسته می‌باشند که ضریب تعیین آن‌ها برابر ۵۷ درصد می‌باشد.

در معادله تأثیر سرمایه اجتماعی شبکه بر متغیر جنسیت و ویژگی‌های فردی، طبق جدول شماره ۹ نتایج به دست آمده نشان داد که دو متغیر وضع فعالیت و وضع تاهل به ترتیب با سهم ۰/۴۶ و ۰/۳۶ بیشترین سهم و جنسیت با ۰/۱۲ سهم کمتری را دارا می‌باشد. به عبارت دیگر، افراد شاغل و متأهل و همچنین مردان از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. این مدل ۰/۳۱ از واریانس متغیر سرمایه اجتماعی را تبیین می‌کند. نتایج رگرسیون به تفکیک زنان و مردان نشان می‌دهد که برای هر دو گروه، متغیرهای وضع فعالیت و وضع تاهل وارد معادله شدند. این مدل برای مردان ۰/۳۹ از واریانس و در مورد زنان ۰/۲۳ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، متأهل بودن و شاغل بودن موجب افزایش سرمایه اجتماعی زنان و مردان خواهد شد که با توجه به ضرایب تعیین می‌توان گفت که این مساله برای مردان بیشتر مصداق داشته است.

جدول شماره ۸. رگرسیون مولفه‌های سرمایه اجتماعی و ضرایب β

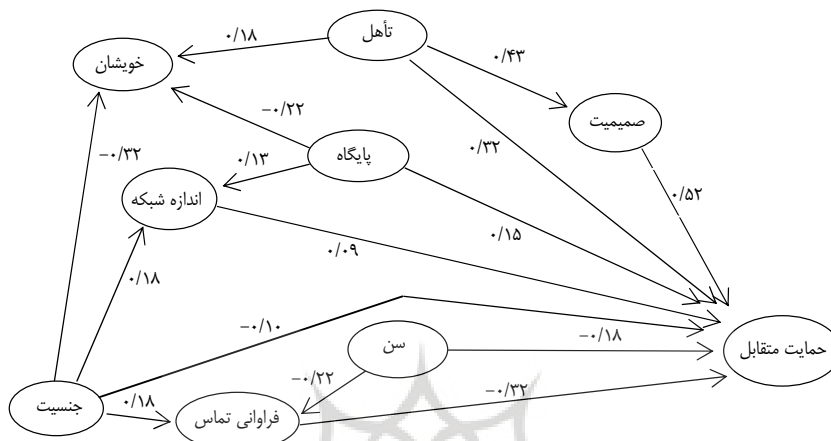
حمایت متقابل β			صمیمیت β	فراوانی تماس β	اندازه شبکه β	ابعاد متغیر وابسته متغیر مستقل
مدل سوم	مدل دوم	مدل اول				
-.۰/۱۰*	-	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۱۸**	۰/۲۰**	جنسیت
-.۰/۰۲	-	-.۰/۱۷**	-.۰/۰۱	-.۰/۲۰**	۰/۱۴**	سن
-.۰/۰۶	-	۰/۳۳**	۰/۴۳**	۰/۰۰۵	۰/۰۶	وضع تأهل
۰/۰۷*	-	۰/۱۵**	۰/۰۸	۰/۰۷۶	۰/۱۰	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۱۰*	۰/۰۸۹*	-	-	-	-	اندازه شبکه
-.۰/۰۴	-.۰/۰۲۳	-	-	-	-	خوبشوندی
۰/۲۱**	۰/۱۹**	-	-	-	-	فراوانی تماس
۰/۴۴**	۰/۴۶**	-	-	-	-	صمیمیت
۰/۷۵۷۸	۰/۷۴۷	۰/۳۳	۰/۴۲	۰/۲۶	۰/۲۴	ضریب همبستگی چندگانه R
۰/۵۷۵	۰/۵۵۸	۰/۱۱۴	۰/۱۸۰	۰/۰۷۲	۰/۰۶۲	ضریب تعیین R^2
۶۹/۸۵۰	۹۹/۲۲۸	۱۳/۶۱۰	۶۹/۸۰	۱۲/۲۲۶	۱۰/۴۸۹	کمیت F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

* P<0/01 ** P< 0/05 N=320

جدول شماره ۹. رگرسیون سرمایه اجتماعی شبکه و ضرایب β

سرمایه اجتماعی شبکه			متغیر وابسته متغیر مستقل
کل β	مردان β	زنان β	
۰/۱۲*	-	-	جنسیت
۰/۰۹	-.۰/۰۶	-.۰/۱۴**	سن
۰/۳۶**	۰/۴۳**	۰/۳۰**	وضع تأهل
۰/۴۶**	۰/۳۶**	۰/۳۸	وضع فعالیت
۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۲	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۳۲۰	۱۴۳	۱۷۷	N
۰/۵۶	۰/۶۲	۰/۴۸	ضریب همبستگی چندگانه R
۰/۳۱	۰/۳۹	۰/۳۳	ضریب تعیین R^2
۴۸/۷۶	۴۴/۶۱	۲۶/۷۴	کمیت F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

تحلیل مسیر (تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی شبکه)



در تحلیل مسیر، تأثیر متغیرهای زمینه‌ای و جنسیت بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که طبق دیاگرام مسیر، وضعیت تاهل با ضریب مسیر 0.43 بر صمیمیت، 0.18 بر درصد خویشاوندان و 0.32 بر حمایت متقابل تأثیر مستقیم دارد و نشان می‌دهد که متأهل‌ها نسبت به غیر متأهل‌ها خویشاوندان بیشتری در شبکه خود داشته و صمیمیت بیشتری نیز با اعضای شبکه خود دارند. همچنین حمایت‌های متقابل بیشتری نیز با اعضای شبکه رد و بدل می‌کنند.

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با ضریب مسیر -0.22 بر درصد خویشاوندان، 0.13 بر اندازه شبکه و 0.15 بر حمایت متقابل تأثیرگذار بوده که نشان می‌دهد افرادی که پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری دارند، اندازه شبکه بزرگتری داشته و با خویشاوندان کمتری در شبکه خود در ارتباط می‌باشند. همچنین حمایت‌های متقابل بیشتری نیز با اعضای شبکه رد و بدل می‌کنند. متغیر سن با ضریب مسیر -0.22 بر فراوانی تماس و -0.17 بر حمایت متقابل تأثیرگذار بوده که نشان می‌دهد با افزایش سن از فراوانی تماس و حمایت‌های متقابل با اعضای شبکه کاسته می‌شود. در نهایت اینکه متغیر جنسیت که به عنوان متغیر تعیین کننده و مستقل اصلی می‌باشد با ضریب مسیر 0.18 بر اندازه شبکه، 0.18 بر فراوانی تماس، و -0.32 بر درصد خویشاوندان و

۰/۱۰- بر حمایت تأثیرگذار بوده است و نشان می‌دهد که مردان نسبت به زنان شبکه‌های بزرگتری داشته و تماس حضوری و مکرر بیشتری نیز با اعضای شبکه خود دارند. همچنین درصد خویشاوندان در شبکه مردان کمتر از زنان می‌باشد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد بررسی تفاوت‌های زنان و مردان در نحوه و میزان تعاملات و سرمایه اجتماعی شبکه‌ای می‌باشد، لذا با بررسی دیدگاه‌های مختلف در زمینه تفاوت‌های جنسیتی میان زنان و مردان، به بررسی «سرمایه اجتماعی جنسیتی» پرداخته و ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه زنان و مردان را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به تأکید تحقیق بر شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی، می‌توان گفت که شبکه روابط و تعاملات فرد با سایر اعضای شبکه و منابع ابزاری و حمایت‌هایی که از طریق دستیابی به این پیوندها در دسترس فرد قرار می‌گیرد، سرمایه‌ای است که تنها در صورت تعامل کنشگران و کم و کیف روابط آن‌ها با هم و میزان قوت و صمیمیت رابطه محقق می‌گردد.

در این پژوهش با توجه به الگوی نظری شبکه روابط، به تبیین نظری مسأله پرداخته شده و ویژگی‌های ساختی (اندازه و ترکیب شبکه)، ویژگی‌های تعاملی (فراوانی تماس، شیوه تماس، صمیمیت رابطه) و ویژگی‌های کارکردی شبکه (حمایت‌ها و منابع ابزاری متقابل)، مورد بررسی قرار گرفتند و تأثیر متغیر جنسیت و متغیرهای زمینه‌ای بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بررسی شد. از بین ویژگی‌های ساختی شبکه، اندازه شبکه بسیار مهم است. تعداد افرادی که فرد می‌شناسد و با آن‌ها در ارتباط است، بیانگر سرمایه اجتماعی او می‌باشد، ویژگی‌های دیگر مثل ترکیب شبکه، فراوانی تماس، شیوه تماس، صمیمیت یا قوت رابطه و حمایت‌هایی که افراد با هم رد و بدل می‌کنند، جنبه‌های کیفیتی سرمایه اجتماعی می‌باشند که در افزایش و کاهش آن تأثیر دارند.

مردان اغلب به دلیل ارتباط با محیط بیرون و به تبع آن فعالیت‌های اجتماعی بیشتر و قرار گرفتن در موقعیت‌های اجتماعی و شغلی بهتر نسبت به زنان، همواره با طیف وسیعتری از افراد در ارتباط قرار می‌گیرند و فرصت برقراری ارتباط و گسترش پیوندهای اجتماعی، برای مردان به

مراتب بیشتر است که این مسأله هم به لحاظ تعداد افرادی که می‌توانند با آن‌ها در ارتباط باشند و هم به لحاظ نوع افراد (اندازه و ترکیب شبکه) امتیاز مهمی برای مردان محسوب می‌گردد. در مقابل، زنان که اغلب در حوزه خصوصی قرار گرفته‌اند، شانس و فرصت برقراری ارتباط با افراد مختلف و دستیابی به پیوندهای متنوع را نداشته‌اند. اما زنان نسبت به مردان حمایت‌های بیشتری (عاطفی و عملی) را از اعضای شبکه خود دریافت می‌دارند و منبع تأمین کننده حمایت برای زنان، بیشتر خویشاوندان نزدیک به ویژه خواهر، همسر و فرزند و کمتر دوستان و همکاران می‌باشند در مقابل برای مردان، بیشتر دوستان و همکاران‌شان منبع تأمین حمایت محسوب می‌شوند تا سایر اعضای شبکه. در مورد حمایت‌هایی که افراد به اعضای شبکه ارائه می‌دهند مردان سهم بیشتری نسبت به زنان داشته‌اند به طوری که نسبت به زنان بیشتر منبع تأمین حمایت مالی، عملی و اطلاعاتی اعضای شبکه‌شان می‌باشند. زنان بیشتر تأمین کننده حمایت عاطفی اعضای شبکه هستند که این یافته‌ها در تأیید تحقیقات گذشته می‌باشد (باستانی، ۲۰۰۱). آنچه در این پژوهش مد نظر ما بوده حمایت‌های متقابلی است که افراد با اعضای شبکه خود مبادله می‌کنند. زنان و مردان نیز به دلیل دستیابی به پیوندهای متفاوت، در نوع و میزان حمایت دریافتی و منبع فراهم‌کننده آن با هم متفاوت می‌باشند و از افراد مختلفی برای حل مشکلات خود کمک می‌گیرند.

همچنین افراد متأهل نسبت به افراد غیر متأهل موقعیت متفاوتی را دارا می‌باشند و به همین دلیل از نظر میزان و نحوه فعالیت ارتباطی می‌توانند متفاوت باشند. تحقیقات نشان داده است که شبکه روابط افراد متأهل به دلیل اینکه افراد در نتیجه ازدواج به پیوندهای جدیدتر و بیشتری دسترسی می‌یابند، بزرگتر از افراد غیر متأهل و نسبت به مجردین خویشاوندان بیشتری را در شبکه خود دارا می‌باشند و صمیمیت و حمایت متقابل بیشتری نیز با اعضای شبکه خود دارند. بنابراین از سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به افراد غیر متأهل برخوردار هستند. البته در این خصوص تفاوت‌هایی بین زنان و مردان وجود دارد. ازدواج شبکه خویشاوندی زنان را گسترش می‌دهد اما بیشتر پیوندهای آنان با خویشاوندان نزدیک و دور و همسایگان می‌باشد. بچه‌دار شدن به ویژه در همان سال‌های اول ازدواج و نگهداری و تربیت بچه تا سن ۶-۵ سالگی، فرصت ارتباط با دنیای بیرون از خانه و حضور در فعالیت‌های اجتماعی را از زنان می‌گیرد.

شاغلین نیز به دلیل قرار گرفتن در محیط‌های اجتماعی مختلف و در ارتباط قرار گرفتن با افراد گوناگون، پیوندهای اجتماعی گسترده‌تری را نسبت به غیر شاغلین تجربه می‌کنند و با افراد بیشتری در تماس قرار می‌گیرند. شغل موقعیت مهمی در زندگی فرد محسوب می‌شود که از طریق آن می‌تواند ارتباطات خود را در زمینه‌های مختلف گسترش دهد و امکان دستیابی به پیوندهای اجتماعی گسترده‌تر فراهم گردد. همان‌طور که فیشر مطرح می‌کند فرصت‌ها و محدودیت‌ها نقش مهمی در اندازه شبکه ایفا می‌کند و زنان نسبت به مردان از فرصت‌های کمتر و محدودیت‌های بیشتری برای برقراری ارتباط با افراد مختلف برخوردار هستند. بنابراین با توجه به اینکه اکثر شاغلین را مردان تشکیل می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی مردان بیشتر از زنان است.

همچنین افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردارند، شبکه‌های بزرگتر و فرصت بیشتری برای برقراری ارتباط دارا می‌باشند. این در حالی است که با افزایش سن، از فراوانی تماس با اعضای شبکه کاسته می‌شود.

طبق نتایج به دست آمده، جنسیت با برخی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی شبکه رابطه معناداری داشته و با شاخص کل سرمایه اجتماعی شبکه که از مجموع این مولفه‌ها به دست آمده نیز رابطه معناداری را نشان داده است. با توجه به این نکته که وضع فعالیت و وضع تأهل (شاغل بودن و متأهل بودن) عوامل مؤثرتری بر سرمایه اجتماعی بودند، می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت فی‌نفسه تفاوتی را به لحاظ سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان ایجاد نمی‌کند، بلکه موقعیت‌ها یا به عبارتی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به لحاظ جنسیت برای فرد ایجاد می‌گردد از اهمیت برخوردار است. در جامعه‌ای که در آن تفکیک و نابرابری جنسیتی از خانواده گرفته تا مدرسه و نظام شغلی و فرهنگ و ... وجود داشته باشد و تبعیض جنسیتی عمده‌تاً علیه زنان اعمال گردد، بدیهی می‌باشد که فرصت‌ها و امکانات نیز به طور نابرابر توزیع می‌گردد و زنان از بسیاری فرصت‌ها در جامعه محروم می‌گردند. موقعیت‌هایی که نظام شغلی و بازار کار برای مردان فراهم می‌کند زنان را از بسیاری فعالیت‌های اجتماعی محروم کرده و یا به حاشیه رانده است. اگرچه امروزه ما شاهد حضور فعال‌تر زنان در فعالیت‌های اجتماعی و تا حدی سیاسی هستیم اما هنوز رگه‌هایی از تبعیض جنسیتی میان زنان و مردان در نوع مشاغل و اهمیت آن

مشاهده می‌گردد. از سوی دیگر مادری و تربیت فرزندان مهمترین وظایف زن محسوب می‌شوند که این امر فعالیت اجتماعی زنان را محدود کرده و آنان را به حوزه خصوصی می‌راند. محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی گسترده و ممانعت همسر از ورود زن به عرصه اجتماع، عواملی هستند که شبکه‌های زنان و مردان یا به عبارتی سرمایه اجتماعی شبکه آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر جامعه‌ای امکانات و فرصت‌های برابری را بین زنان و مردان توزیع کند و در حوزه‌های مختلف بدون توجه به جنسیت فرد و بر مبنای توانایی و شایستگی‌های فردی عمل کند ما شاهد سرمایه اجتماعی یکسانی بین زنان و مردان خواهیم بود.

تفاوت زنان و مردان در ویژگی‌های کارکردی شبکه بیشتر از سایر ویژگی‌ها بوده و از نظر ویژگی‌های ساختی و تعاملی تفاوت کمتری بین آن‌ها مشاهده شده است. البته در این پژوهش از نظر ویژگی ساختی شبکه یعنی اندازه شبکه نیز تفاوت‌هایی بین زنان و مردان دیده شده است که بر خلاف تحقیقات قبلی که دریافته بودند شبکه مردان و زنان از نظر اندازه متفاوت نیستند بلکه از نظر ترکیب با هم فرق دارند، این پژوهش تفاوت‌هایی را میان زنان و مردان هم در اندازه و هم در ترکیب شبکه مشاهده کرده است.

به طور کلی می‌توان گفت که زنان و مردان اگر چه از نظر برخی ویژگی‌های شبکه با هم تفاوت دارند، به نظر می‌رسد که عوامل زمینه‌ای دیگری مثل وضع فعالیت و وضع تاهل نقش تعیین‌کننده‌تری در میزان سرمایه اجتماعی زنان و مردان داشته باشد. به عبارت دیگر، تفاوت زنان و مردان در ویژگی‌های شبکه تنها به دلیل جنسیت آن‌ها نیست بلکه بیشتر به لحاظ موقعیت‌هایی است که جنسیت برای آنان ایجاد می‌کند. مرد بودن و زن بودن در جامعه موقعیت‌های متفاوتی برای افراد فراهم می‌کند و با توجه به جنسیتی بودن بازار کار و اشتغال و نابرابری‌ها و تبعیضاتی که بین زنان و مردان اعمال می‌شود، مردان از فرصت‌هایی که شغل برای آن‌ها فراهم می‌کند بهره‌مند می‌گردند. تفاوت‌هایی که این موقعیت‌ها در زندگی بر زنان و مردان به وجود می‌آورد همواره به جدا شدن قلمرو زنان و مردان در اجتماع منجر می‌شود و جهان اجتماعی آنان را از هم متمایز می‌سازد و این تفکیک جنسیتی در جامعه موجب تفکیک شبکه‌های اجتماع زنان و مردان نیز می‌گردد و بیش از پیش آنان را از هم متفاوت می‌سازد.

منابع

- باستانی، سوسن (۱۳۸۲) جزوه درس تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی. دانشگاه الزهرا.
- بیبی، ارل (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. رضا فاضل. تهران: سمت.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۳) تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۳.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- ساعی مهر، منیره (۱۳۸۳) «بررسی سرمایه اجتماعی و فرهنگی و استقرار و مهاجرت در شهر تبریز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- ساعی، علی (۱۳۸۱) تحلیل آماری در علوم اجتماعی با نرم‌افزار SPSS. تهران: کیان‌مهر.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰) فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. نامه انجمن جامعه‌شناسی. شماره ۳.
- کرلینجر و پدهازور (۱۳۷۳) رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری. حسن سرایی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گرت، استفانی (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی جنسیت. کتابیون بقایی. تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- Bastani, S. (2001) Middle Class Community in Tehran: Social Network, Social Support and Marital Relationships, Ph. D. thesis, Department of Sociology, University of Toronto, Canada.
- Bourdieu, P. (1986) "Forms of Capital" in Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Richards (ed). New York: Greenwood Press.
- Bullen, p. & J. Onyx. (1998) "Measuring Social Capital in Five Communities in NSM" No, 41, University of Technology Sydney.
- Coleman, J (1990) Foundations of Social Theory. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Erickson, B. H. & Miata, Kakuko (2005) "Macro and Micro Gender Structures: Gender Stratification and Social Network in Japan and Canada," Institute for the Global Issues (ISGI seminar), March.

- Erickson, B., H. (2004) "The Distribution of Gendered Social Capital in Canada", Pp.27-50 in Creation and Returns of Social Capital. Henk Flap and Beate Volker (eds.), NewYork: Routledge.
- Fischer, C. (1982) To Dowell among Friends, Berkeley: University of California Press.
- Israel, B. and K. Rounds (1987) Social Networks and Social Support: A synthesis for health educators, Advances in Health Education and Promotion, Greenwich, CT., JAI Press.
- Kurtosi, Z. (2004) "Aspects of Gender in Social Network", Social Identity, Information and Markets. Proceeding of Faculty of Economics and Business Administration2004.
- Lin, N. (1999) "Building a Network Theory of Social Capital": Department of Sociology, Duke University .Connections 22(1)28-51 www.analytictech.com/mb874/lin-socialcapital.htm.
- Moore, G. (1990) "Structural Determinants of Men's and Women's Personal Network", American Sociological Review, vol. 55, 726-735.
- Smith-Lovin, L. & Mcpherson (1993) "You are who you know: A network Approach to Gender", Theory on Gender/Feminism on Theory, England (ed.), New York: Aldine de Gruyter.
- Wellman, B. (1988) "The Community Question Re-evaluated," Pp. 81-107 in Power, Community and the City, M. P. Smith (ed.), New Brunswick, NJ: Transaction Books.
- Wellman, B. (1992) "Which Type of Ties and Networks Provide What kinds of Social Support?", Advances in Group Processes, vol 9: 207-235.
- Wellman, B., (1999) "The Network Community: An Introduction," Pp. 1-48 in Networks in the Global Village, B. Wellman (ed.), Boulder, Co: Westwood.
- Wellman, B. (ed.) (1999) Network in the Global Village, Boulder, Co: Westwood.